خبر

نامه آقاتهرانی به مهدوی‌کنی

■ **فارو:** روز پیش سایت «تریبون مستضعفین» نامه‌ای را منتشر کرده است که در آن دبیرکل جبهه پایداری مرتضی آقا تهرانی خطاب به آیت‌الله مهدوی‌کنی نوشته است و در آن با طرح درخواستی از آیت‌الله مهدوی‌کنی خواسته است که ۵۰درصد کمیته اجرایی را به این گروه تخصیص دهند یا حداقل سه‌نفر از اعضای این گروه در شورای اجرایی حاضر باشند. این بدین معناست که این گروه خواهان این بودند که نیمی از کادر اصلی جبهه متحد از آن آنها باشد تا به فرآیند وحدت وارد شوند. در بخشی از نامه وی آمده است: بر مبنای حکم عقل و منطق، در شورای حکمیت باید تمامی اعضا نسبت به اضلاع وحدت، بی‌طرف باشند یا به صورت عادلانه هرضلعی دارای نمایندگانی در شورا باشند. در حالی‌که در ترکیب شورای حکمیت هر یک از دو ضلع پیروان خط امام و رهبری و جمعیت ایثارگران و رهپویان دارای نمایندگانی می‌باشند ولی از جبهه پایداری بدینوسیله درخواست می‌شود حجت‌الاسلام والمسلمین آقای روح الله حسینیان در ترکیب شورای حکمیت قرار گیرد. در قسمت دیگر این نامه نیز نوشته شده است: سهمیه‌بندی تعداد نفرات اضلاع در شورای اجرایی موردپسند این جبهه نبوده، ولی چون حضرات آقایان آن را مصلحت دیدند، مورد پذیرش ما نیز خواهد بود لیکن باید در تعداد نفرات، عدالت و انصاف مد نظر قرار گیرد. درخواست قبلی تعلق حداقل ۵۰درصد شورای اجرایی یعنی چهار نفر از هشت نفر به این جبهه بوده است. اینک به منظور تحقق وحدت انتظار می‌رود که حداقل سه نفر را به شرح زیر در ترکیب شورای اجرایی قرار دهید که عبارتند از: مهندس صادق محصولی، دکتر کامران باقری‌لنکرانی و دکتر اصغر زارعی.

پیش‌بینی غفوری‌فرد از ریاست مجلس آتی

■ **ایلنا:** حسن غفوری‌فرد گفت: سوال از رییس‌جمهور تا پایان سال‌جاری از سوی نمایندگان مطرح خواهد شد، چرا که رییس‌جمهور برای حضور در مجلس اعلام آمادگی کرده است. وی در ادامه نشست خبری با اصحاب رسانه‌ها در رابطه با عدم کارآیی ۸+۷ گفت: قرار بود در گروه ۸+۷، سه نفر از چهار نفر از روحانیت در هسته مرکزی گروه قرار گیرند و لاریجانی و قالیباف نیز در این گروه شرکت داشته باشند که به دلیل سهم‌خواهی یکی از این گروه کارگروه ۸+۷ به‌طور کامل اجرا نشد. حسن غفوری‌فرد در رابطه با ترکیب مجلس نهم نیز گفت: مجلس نهم اکثریت قاطع آن از اصولگرایان است و از ۳۰ نفر کاندیدا در تهران ۲۵ نفر اصولگرا به مجلس راه پیدا خواهند کرد، ولی باید بدانیم که همه ما موظف هستیم از رای مردم تمکین کنیم. غفوری‌فرد مجلس هشتم را از قدرتمندترین و بهترین مجالس در تنظیم قوانین به نفع مردم دانست و افزود: در مجلس هشتم بسیاری از قوانین در جهت رفاه و آسایش مردم تصویب شده است. وی در رابطه با سوال از رییس‌جمهور گفت: سوال از رییس‌جمهور تا پایان سال‌جاری از سوی نمایندگان مطرح خواهد شد، چرا که رییس‌جمهور برای حضور در مجلس اعلام آمادگی کرده است. نماینده تهران لاریجانی را بهترین رییس مجلس در طول هشت دوره مجلس دانست و تصریح کرد: در مجلس نهم نیز احتمال قوی می‌رود میان لاریجانی و حدادعادل، لاریجانی بیشترین رای را برای تصدی ریاست مجلس به خود اختصاص می‌دهد.

موسی قربانی مطرح کرد

لجبازی معاونت حقوقی دولت با مجلس

■ **مهر:** جانشین معاون تنقیح قوانین مجلس شورای اسلامی از تنقیح ۱۰ قانون کشور توسط سازمان بازرسی خبر داد و افزود: این قوانین تنقیح‌شده پس از تصویب در صحن مجلس نهایی می‌شود که عمر این مجلس به آن قد نمی‌دهد. حدود ۷۰۰ روز از تصویب قانون تنقیح قوانین صدساله کشور می‌گذرد؛ قانونی که اجرای آن بر عهده معاونت تنقیح قوانین مجلس به معاونت حجت‌الاسلام ابوترابی و جانشینی حجت‌الاسلام موسی قربانی گذاشته شد. البته در این میان فاطمه بداغی معاون حقوقی رییس‌جمهور در گفت‌وگوهای متعدد اعتراض خود را نسبت به این اقدام مجلس اعلام کرد. اما در نهایت مجلس مسوولیت تنقیح قوانین را بر عهده سازمان بازرسی کل کشور گذاشت در حالی که برخی از نمایندگان و اعضای کمیسیون قضایی مانند فرهاد تجری با این اقدام مخالف بوده و اعلام کردند وزارت دادگستری بهترین گزینه برای تنقیح قوانین است چون با هر سه قوه ارتباط دارد. همچنین حجت‌الاسلام میرتاج‌الدینی معاون پارلمانی ریاست‌جمهوری هم نسبت به این اقدام مجلس واکنش نشان داد و گفت: تنقیح قوانین توسط سازمان بازرسی غیرقانونی بوده و رسانه‌ها باید اطلاع‌رسانی کنند. بعد هم شایعه اخذ پول کلان توسط سازمان بازرسی برای تنقیح قوانین مطرح شد که ولی‌الله خبره قائم‌مقام سازمان بازرسی در گفت‌وگو با مهر عنوان کرد: سازمان بازرسی کل کشور پیمانکار مجلس نیست و پولی هم دریافت نمی‌کند. در این گیرودار حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی هشدار داد که بگذارید سازمان بازرسی کارش را انجام دهد ولی بهمن کشاورز رییس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا و سید مرتضی بختیاری وزیر دادگستری هم اعلام کردند: این اقدام غیرقانونی است. اکنون و بعد از گذشت یک‌سال از جنجال‌های پیرامون این موضوع سراغ حجت‌الاسلام موسی قربانی مسوول اصلی اجرای قانون تنقیح قوانین کشور رفتیم تا آخرین وضعیت را از وی جویا شویم. موسی قربانی می‌گوید: در این یک‌سال قوانین به ۵۰ گروه تقسیم شد. یعنی ما در کشور ۵۰ قانون داریم که سازمان بازرسی پس از عقد قرارداد به سرعت تنقیح قوانین صدساله کشور را در دستور کار خود قرار داد. وی افزود: هم‌اکنون ۱۰ قانون از ۵۰ قانون توسط سازمان بازرسی تنقیح شده که برای اظهارنظر و تصویب نهایی به مجلس ارسال شده است ولی فکر نمی‌کنم مجلس هشتم عمرش به تصویب آن قد دهد. عضو کمیسیون قضایی مجلس در پاسخ به اینکه چرا معاونت حقوقی و تنقیح قوانین ریاست‌جمهوری مجلس را در اجرای این طرح بزرگ همراهی نکرد، گفت: تنها دلیلش لجبازی بود. آنها می‌دانستند که اگر تمام قوانین هم تنقیح کنند تنها نص صریح را تنقیح کردند و نص ضمنی باقی می‌ماند در ضمن تنقیح تنها با تصویب مجلس قانونی می‌شود ولی با تمام این تفاسیر همکاری نکردند. وی افزود: اگر دستگاه‌های دولتی و اجرایی با سازمان بازرسی همکاری می‌کردند سرعت کار بیشتر می‌شد ولی همکاری بسیار کم است و کار به کندی پیش می‌رود.

تقی آزادارمکی در گفت و گو با «شرق» بررسی کرد

سه شرط تغییر فضای سیاسی-اجتماعی

عکس: بهنام موذن

ادامه از صفحه اول

ما باید اینجا معلوم کنیم که منظور از واقعه سیاسی چیست؟ مثلا ما چه چیزی را به‌عنوان یک واقعه سیاسی مهم قلمداد می‌کنیم که ببینیم نقشش و سهمش در بحران جامعه چه چیزی است. آیا بحران‌زاست یا بحران‌زا نیست. پس ما باید برگردیم و در مورد حوادث و واقعه سیاسی کنکاشی بکنیم و در مورد تک‌تکشان یا گروهی از آنها نوع عکس‌العمل جامعه را جست‌وجو کنیم. می‌توانیم سیکل تاریخی را دنبال کنیم، می‌توانیم شرایط حال را و رابطه‌اش را ببینیم. من نمی‌دانم آیا شما واقعا مساله و واقعه سیاسی خاصی موردنظرتان هست یا خیر.

↙ مثلا اگر بخواهیم مقداری به عقب‌تر برگردیم مسایل سه یا چهار سال اخیر به نظر می‌رسد تاثیر زیادی در رفتار مردم داشته و موضوع دیگری هم که می‌شود به آن اشاره کرد اتفاقات اخیری است که در حوزه اقتصاد رخ داد. مثل بحران ارز و سکه و...؟

درباره سه سال اخیر می‌توان گفت که جامعه قطبی شده است و اگر جامعه ایران در گذشته میل به قطبی‌شدن داشت یا شکاف در آن وجود داشت مثلا شکاف جنسیتی، شکاف نسلی، یک شکاف دیگری وارد شده و به‌نظر می‌آید که جامعه دوگانه شده است و البته تلاش‌های بسیار زیادی برای ترمیمش صورت گرفت ولی اینکه آیا این ترمیم اتفاق افتاد یا خیر به‌نظر من جای تامل دارد. من به عنوان کسی که در حوزه جامعه‌شناسی کار کرده، پژوهش هم می‌کنم و هم نتایج پژوهش‌های اجتماعی را دنبال می‌کنم، می‌بینم این شکافی که در جامعه ایران اتفاق افتاد یا خیر به‌طور کامل ترمیم پیدا نکرده است. من فکر می‌کنم چیزی که می‌تواند این شکاف را ترمیم بکند یک چیز دیگری تحت‌عنوان مشارکت سیاسی است. یعنی یک مشارکت سیاسی فراگیر.

جنس مشکل و مساله‌ای که می‌تواند مشکل را مرتفع کند از جنس خودش است. دقیقا مشارکت سیاسی است، یعنی از طریق جنس مشارکت سیاسی است که می‌شود شکاف را ترمیم داد.

↙ در مسایلی که در حوزه اقتصاد و بازار سکه و ارز افتاد چطور؟

اتفاقات دیگری که در ایران افتاده مثلا بحث تحریم و اثراتش و در عین‌حال هم ماجرای بحران در ارز و سکه، اینها یک ظهور سیاسی داشتند ولی اساسا پدیده‌های اقتصادی هستند. این مساله یک پدیده اقتصادی بود و اثرات سیاسی پیدا کرد، هرچند که بعضی‌ها سعی می‌کنند بنیان‌های سیاسی هم برایش قایل شوند. به دلیل اینکه اساسا بحث تحریم و محدودیت منابع و محدودیت روابط با جهان خارج و سخن از اینکه تحریم اتفاق افتاده، خودش فضایی را ایجاد کرد که درصد بسیار زیادی از ماجرای افزایش قیمت‌ها به آن برمی‌گردد، اگرچه خودش نتایج سیاسی در جامعه داشت و به یک پدیده سیاسی تبدیل شد و دامنه‌اش را بیشتر و وسیع‌تر کرد. پس این پدیده سیاسی نبود، یک پدیده اقتصادی بود که نتیجه سیاسی یا بروز سیاسی پیدا کرد.

↙ از یک دوگانگی سخن گفتید، این گونه دوگانگی اگر وجود داشته باشد تاثیرهای عمیق‌تری دارد یا تلاطم‌های اقتصادی؟

خب بالطبع اولی، چون پدیده ملی است و دومی اثرات اقتصادی‌اش بیشتر و اثرات سیاسی‌اش کمتر. به دلیل اینکه کانونش به مدیریت دولت باز می‌گشت. چون دولت منابعی در اختیار دارد که می‌تواند با جابه‌جاکردن آنها جلوی شدت آن را بگیرد. مثلا در مداخله‌ای که در بازار ارز و طلا و سکه شد، دولت آمد قیمتی را اعلام کرد در واقع مداخله‌گری کرد. مثلا ۵۰درصد جلوی بحران‌زایی آن را گرفت. البته ۵۰ درصد دیگر دست دولت نبود و نیروهای بیرونی یعنی کسانی که دلار، سکه و پول را از بیرون گرفته و می‌گیرند که آنها همچنان می‌توانند بازهم آن را تبدیل به چالش کنند. به همین دلیل هم شما باز ساحت دوگانه‌ای در ارز و سکه دارید. مثلا ارز هزار و ۲۰۰ دارید و در بازار هزار و ۷۰۰ به بالاست. یعنی ۵۰۰، ۶۰۰تومان اختلاف قیمت برای ارز وجود دارد. اگر فاصله این ساحت دوگانه زیاد شود آن‌وقت می‌تواند یک مساله عمده و اساسی را ایجاد بکند. اما اگر ما تلاش کنیم، دولت ما تلاش کند و منابعی که در دنیا وجود دارد یک‌جوری تغییر بکند و جهتش به یکی از این دو ساحت برود آن‌وقت می‌تواند دوگانگی را بسیار زیاد یا کم کند. یعنی ما احتمال دستیابی به یک مساله اقتصادی داریم که اگر فاصله زیاد شود می‌تواند تبدیل به یک شکاف عمده شود و میان این نیروهای دوساحتی قدرت و رقابت ایجاد شود و نهایتا یکی از صحنه خارج شود و اثرات آن در حوزه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه خواهد شد.

↙ در همین مساله اخیر که اشاره کردید (بحران ارز و سکه) دولت یک سکوتی کرد، حالا یکسری افراد هم حرف‌های نسنجیده‌ای زدند. این سکوتی که به مدت طولانی هم ادامه پیدا کرد و آن حرف‌هایی که زدند به‌نظر شما تا چه حد در افکار عمومی و روانی مردم تاثیر داشت؟

دولت نیروی مهمی است. هرگونه عمل دولت در حوزه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اثرگذار است. همان‌طور که سکوتش مهم بود مداخله‌گری‌اش هم مهم بود، اینکه با چه نیتی عمل کرد هم باید دولت بگوید و هم کسانی که داور رفتار دولت هستند. آیا این رفتار براساس سیاست بود؟ که اینها حرف‌هایی است که می‌زنند یا متوجه نیست و کار از دستش در رفته بود. احتمال همه اینها هست. یک عده هم می‌گویند دولت بد محاسبه کرد. اگر هرکدام از اینها را در نظر بگیریم در اتفاقاتی که افتاد بی‌تاثیر نبود. آن اتفاقی که در عرصه سکه و ارز افتاد می‌توانست زمینه‌های شکل‌گیری مساله توزیع اقتصاد را هم فراهم بکند البته اگر عواملی که در منابع اقتصادی مداخله‌گری می‌کنند همچنان زمینه‌ساز مساله می‌شدند. در زمینه رفتار دولت (من از افراط‌گویی و افراط‌گری‌ها اجتناب می‌کنم) همه می‌گفتند دولت این کار را کرد برای اینکه خودش را نشان دهد. یا اینکه یک عده گفتند دولت این کار را کرد برای اینکه سرمایه هنگفتی را به دست بیاورد من هیچ‌کدام از این دو را همه واقعه نمی‌دانم. اینها مهم است، بالاخره پولی اندوخته شد، یک سکه فروش رفت و یک دلاری را دولت فروخت و یک پولی را جمع کرد و از آن طرف هم دولت نشان داد که اگر مدیریت نکند چه می‌شود و در واقع قدرتش را نشان داد. ولی چیزی که ما کمتر به آن توجه می‌کنیم اثر کمبود منابع است، چرا که منابع ما محدود است. ما منابع ارزی کم داریم و دنیا دارد دستیابی ما را به منابع محدود می‌کند. ما در حوزه سیاسی به سرعت حاضر نیستیم بپذیریم ما به زبان خودمان داریم می‌پذیریم. اروپا دارد می‌گوید ما نفت شما را تحریم می‌کنیم، وزیر نفت ما بعد از سه، چهار هفته می‌آید می‌گوید ما نفت به اروپا نمی‌فروشیم. اشکال ندارد بالاخره بازی سیاسی و حاکمیت و نظام سیاسی باید بازی خودش را بکند، درصورتی که اروپا می‌گوید ما در آینده از تو نمی‌خریم، بعد وزیر نفت می‌گوید ما دیگر نمی‌فروشیم. در هر دو صورت فرقی نمی‌کند، اثر اقتصادی‌اش سر جای خودش هست چه ما نفروشیم، چه اروپا از ما نخرد و ما بگوییم به شما نمی‌فروشیم در هر صورت چیزی به نام محدودیت منابع به وجود می‌آید. محدودیت منابع جمعیتی کثیری را دچار مشکل می‌کند، سپس این اختلال در ساخت نظام حقوقی و سیاسی و مبادلات تجاری در روند ماجرای اقتصادی ایران اتفاق می‌افتد و بعد شما به طور طبیعی افزایش نرخ طلا و ارز و از آن طرف افزایش قیمت‌ها و کمبود منابع را می‌بینید. من از اینها ۷۰ درصد سهمش را برای تحریم می‌گذارم و ۳۰ درصد آن را می‌گذارم برای بازیگری دولت و گروه‌های دیگری که اینجا وجود داشتند نه بالعکس که بگوییم ۷۰ درصد را دولت بازی کرده و ۳۰ درصد تحریم وجود داشته به دلیل اینکه دولت بیش از اقدامش نتوانست جلوتر برود.

↙ این وضعیت اقتصادی که ممکن است به وجود بیاید و به‌نوعی هم به وجود آمده چه تاثیری روی مردم دارد؟

دو عرصه در جامعه هست که اتفاق رخداده در آن سریع اثرات خودش را نشان می‌دهد، یکی عرصه اقتصاد و یکی عرصه سیاست و اتفاقات رخداده در این دو عرصه اثراتش بیشتر از حوزه‌های دیگر است. مثلا فرض کنید در دولتی یک مرتبه اختلاس صورت بگیرد یا کسی در دولت خطایی بکند یا یک چرخش عجیب سیاسی رخ بدهد. این اثراتش را در کل نظام اجتماعی به سرعت نشان می‌دهد. در عرصه اقتصاد هم که به زندگی همه مردم مربوط است همین‌گونه است. مثلا فرض کنید وقتی مردم عادت کردند که سبد مصرفی میوه‌شان موز ۱۵۰۰ تومانی باشد یک دفعه موز بشود پنج هزار تومان سریعا دیده می‌شود. مثلا پیاز ۵۰۰ تومانی بشود هزار تومان دیده می‌شود. اینها چیزهایی است که به سرعت اثر خودش را می‌گذارد. اول اثراتش را در خود اقتصاد می‌گذارد اگر چنانچه افراد نتوانند در حوزه اقتصاد عقلانی رفتار بکنند و با همان الگوهای پیشین عمل بکنند فشار می‌آورد به حوزه اجتماعی و به حوزه سیاسی. ولی اگر جامعه بتواند مدیریت بکند و با کمبود منابع کمتر مصرف کند نمی‌تواند به رفتار سیاسی و رفتار اجتماعی تبدیل بشود. اگر چنانچه جامعه کمبود مصرف و تغییر الگوی مصرف را دنبال بکند اتفاقا به مساله سیاسی و اجتماعی نمی‌رسد و اقتصاد خودش را سروسامان می‌دهد. من تصور می‌کنم جامعه آمادگی اینکه یک چنین تغییری را در الگوی مصرفش فراهم بکند ندارد و اصلا به مخیله‌اش هم نمی‌رسد. این است که به سرعت می‌تواند در عرصه اقتصاد مشکل محدودیت و تغییر منابع اقتصادی و افزایش قیمت تاثیر خودش را در رفتار اجتماعی و فرهنگی و روحیات مردم بگذارد.

↙ چه اثراتی؟

تاثیر روانی آخرین مرحله اثرگذاری است. همان‌طور که گفتم سیاست و اقتصاد اولش است بعد اجتماع و فرهنگ است و آخرش مساله روانی است. آیا این مشکل را باید نتیجه مسایل اقتصادی امروز دید؟ خیر این محصول اتفاقات ۳۰-۲۰ سال گذشته است. در ۳۰-۲۰ سال گذشته ما کارهایی کردیم و این حالات روحی-روانی که برای جامعه ما ایجاد شده پیش آمده است. مثلا اتفاقی که در جامعه ما افتاده فردگرایی افراطی، منفعت‌گرایی افراطی و خودخواهی افراد بوده و نیازهای شخصی از نیازهای جمعی بیشتر بوده است. به همین دلیل چون آدم‌ها و نیازهایشان مهم‌تر شده‌اند و فردگراتر هم شده‌اند آن وقت در خود رفتن و حالات به هم ریختگی روحی-روانی بیشتر می‌شود. من نمی‌دانم جامعه ما فردا یا سه ماه دیگر چه واکنشی در باب این محدودیت منابع از خودش بروز خواهد داد، شاید حوزه سیاسی رفتارش را عوض کند و اجازه ندهد که این ماجرای محدودیت منابع به وجود بیاید، دوم اینکه ممکن است جامعه آماده شود و با محدودیت منابع رفتار اقتصادی‌اش را عوض کند، سوم اینکه ممکن است این جامعه ظرفیت هزار بار خیس شدن را هم داشته باشد و اثرات روحی و روانی نداشته باشد و چهارم اینکه ممکن است به دلیل آن زمینه پیشینه‌ای که با عنوان عدم آمادگی و کاهش اعتماد اجتماعی که وجود دارد اتفاقی بیفتد تحت عنوان افزایش چیزی به نام بیماری‌های روحی-روانی. این آسیب‌های روحی و روانی می‌تواند در مرحله اول انزوا ایجاد کند و در مرحله دوم باعث ایجاد برخوردی هیجانی خواهد شد. چون آدم‌هایی که منزوی هستند همیشه تابع نیستند و بعضی مواقع برخوردهایشان هیجانی خواهد بود.

↙ مسوول اصلی و اولیه‌ای که بتواند رفتار اقتصادی و حتی اجتماعی مردم را تغییر دهد به نظرتان مسوولان دولت نیستند؟

بله، اولش مسوولان هستند ولی همه آن مسوولان نخواهند بود. بستگی به این دارد که ما از این ماجرا چه تعبیری ارایه دهیم. آیا به عنوان یک پدیده ملی نگاهش می‌کنیم، یا یک پدیده دولتی؟ اگر جامعه حس کند که این اتفاق مال دولت است، می‌رود دنبال کار خودش و مسوولش هم دولت می‌شود چون دولت هم نمی‌تواند آن را به تنهایی جمع کند و گرفتاری‌های دیگر را خواهیم داشت ولی اگر تعبیر بشود به ماجرای ملی، دولت خودش می‌شود بخشی از این ماجرای ملی و نیروهای دیگر اجتماعی هم می‌توانند مداخله کنند و آن وقت ما چیزی به عنوان شرایط گذر از مساله را پیدا می‌کنیم. پس برای اینکه ما از مساله دولت و حکومت گذر کنیم و مساله به مساله ملی تبدیل شود نیاز به آدم‌های ذی‌نفوذ و آدم‌های مورد اعتماد دارد و آدم‌های متفاوت باید به میدان بیایند. دوم اینکه گروه‌های اجتماعی متعدد هم باید این را بپذیرند و نکته سوم مجموعه شرایطی است که وجود دارد. طبق تجارب جهانی، وقتی کشوری با تهدید خارجی مواجه می‌شود باید در داخل اعلام وحدت بکند. به عنوان مثال اگر در خانه با همسرتان مشکلی پیدا می‌کنید، نمی‌توانید در خانه دعوا داشته باشید بعد با همسایه هم دعوا داشته باشید. لازمه‌اش این است که داخل خانه آشتی باشید تا حساب دشمن را برسید، بعد که حساب همسایه را رسیدید بیایید ببینید چه کسی مقصر است و چه کسی مقصر نیست. یکی از اصلی‌ترین شرایط موازنه مناسبات اجتماعی درون با رابطه سیاسی بیرون است. بنابراین اگر این امر به همراه دو شرط پیشین یعنی افراد ذی‌نفوذ و مشارکت همه گروه‌های اجتماعی وجود داشته باشد آن وقت امر سیاسی یا بحران اقتصادی دولتی نمی‌شود و معطوف به حکومت نخواهد بود بلکه معطوف به کلیت نظام اجتماعی می‌شود و اینجاست که یک انسجام اجتماعی، وفاق اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اقدام اجتماعی برای گذر از این ماجرا پیش می‌آید. حتی اگر این ماجرا ۱۰ ساله باشد.

↙ پس یعنی معتقد هستید که ابتدا در داخل باید شرایط را هموار کرد؟

ما باید در داخل از اتفاقاتی که هست تعبیر اجتماعی و فرهنگی بکنیم تا تعبیر سیاسی. وقتی تعبیر سیاسی می‌کنیم نمایندگی‌اش را دولت و گروه‌های سیاسی می‌کنند بعد هم جامعه می‌گوید سیاسی است، متعلق به سیاستمداران است، متعلق به دولت است به من چه نه، نداریم. ما در یک گروه‌های خاص انسجام داریم. مثلا آدم‌ها با همفکران خودشان که می‌نشینند احساس همبستگی بالا می‌کنند و فکر می‌کنند کل جامعه دارای همبستگی بالاست. ما باید فراتر از گروه‌های خودمان را پیدا بکنیم. به فرض اگر از دید جامعه‌شناسی نگاه می‌کنیم مثلا کالینز می‌گوید شما آدم‌ها را دارید در گروه‌های اجتماعی متفاوت، این گروه‌های اجتماعی به دلیل بیگانه با هم منسجم هستند بعد با گروه‌های دیگری پیوسته می‌شوند و بیگانه‌های متفاوت پیدا می‌کنند تا یک ملت به وجود می‌آید. اساسا جامعه ما استعداد تکثر به لحاظ گروه‌های اجتماعی و حوزه‌های متفاوت را دارد.

↙ چرا؟

به دلیل اینکه جامعه، جامعه قوی است. جامعه خوبی است. جامعه دارد رشد می‌کند بعد خودشان با همدیگر پیوندی عمل می‌کنند و قوی می‌کنند. در واقع چون ما یک جوری سیاسی با جامعه برخورد کردیم دوگانه‌اش کردیم، بیشتر داریم به سمت دوگانه کردنش می‌بریم. در صورتی که اگر رهایش کنیم حالت گروه‌های متکثر به هم پیوندخورده را پیدا می‌کند و عنصر وحدت ملی از داخل آن درمی‌آید. آن وقت دشمن می‌تواند یک پدیده واحد باشد برای اکثریت جامعه.

↙ شما بحث احتمال عدم انسجام اجتماعی را مطرح کردید این درحالی است که یکسری از افراد صاحب نظر هم در مورد میزان اعتماد موجود در جامعه دچار تردیدند و علت بخشی از آن را عدم عملی شدن برخی وعده‌ها می‌دانند، می‌خواهم بدانم نظر شما چیست؟

جامعه نسبت به بعضی از گروه‌های سیاسی اعتمادش کم است. اگر سلب اعتماد باشد جامعه دچار فروریختگی می‌شود. نه، جامعه ما دچار کمی اعتماد شده است. به همین دلیل است که دولت الان کانون جامعه شده و همه چیز را به دولت معطوف می‌کنند. به همین دلیل است که در مرحله دوم گروه‌های سیاسی نیاز به رقیب دارند تا بتوانند خودشان رشد کنند و وقتی رقیب حذف می‌شود خودش رقیب خودش را تولید می‌کند. شما نگاه کنید ماجرای گروه انحرافی در همین دولت درآمد، به دلیل اینکه رقیبش کنار گذاشته شد، بعد به طور طبیعی خودش، خودش را دچار مساله و اختلال ایجاد کرد. تازه اگر گروه انحرافی هم از آن خارج شود دوباره این دولت خودش علیه خودش گروه تولید می‌کند. به دلیل اینکه نیاز دارد با یک کسی گفت‌وگو کند تا ارتقا پیدا کند. آدم وقتی که تنها شود قدرت تکلم را از دست می‌دهد یا با خودش حرف می‌زند. وقتی شما می‌آیید برای یک گروه سیاسی کانون می‌گذارید و رقبایش را کنار می‌گذارید و تنهایش می‌کنید انسجامش را از دست می‌دهد کما اینکه دولت این اتفاق برایش افتاد. این اتفاق دوباره هم می‌تواند بیفتد و تنها راه جلوگیری از آن این است که فرد دیگری برای گفت‌وگو وجود داشته باشد. دیگری مثل خودت نمی‌شود. شما با مثل خودت نمی‌توانی حرف بزنی. باید متفاوت باشد وقتی متفاوت بود شما از خودت مراقبت می‌کنی. در این رابطه توافقی حیات پیدا می‌کند، جامعه شاداب می‌شود و شادابی از اینجا درمی‌آید. شادابی از زشتی و زیبایی درمی‌آید، نه از زیبایی تنها. جامعه ما و دولت ما و حوزه سیاسی ما یک چنین اشتباهی کرد و الان این مسایلی که می‌بینیم پیدا شده، راهش این است که دموکراسی بالاتری داشته باشیم.

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **گرانی فرش‌های دستباف:** انتهای بازار کفاشان تهران محل خرید و فروش، فرش‌های دستباف و گران‌قیمت است. به دلیل نبود نظارت بر قیمت‌ها، دلالان فرش به دلخواه نرخ‌هایی را تعیین و فرش‌ها را به فروش می‌رسانند. ضرورت دارد این موارد اطلاع‌رسانی شود تا مردم هنگام خرید فرش دقت کنند تا سرشان کلاه نرود. امیدواریم مسوولان وزارت بازرگانی هم به این موضوع رسیدگی کنند.

یک مخاطب

■ **شیرینی با طعم نفت:** روزهای گذشته از قنادی... واقع در خیابان پاسدار گمنام برای میهمانان، مقداری پلمبیر خریدم. میهمانان به محض اینکه چند قاشق خوردند، کنار گذاشتند و گفتند بوی نفت می‌دهد. امیدواریم قنادی‌ها در تهیه اینگونه مواد خوراکی بیشتر دقت کنند تا چنین مساله‌ای ایجاد نشود. قبلا نفت در سبزی و آب ما وارد شده بود، اما شیرینی نفتی، نوبر است.

فاطمه‌فرخی‌پور

■ **نرخ متفاوت تاکسی و سواری‌ها:** کرایه تاکسی و سواری‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. به دلیل اینکه به تخلف رانندگان سواری‌های مسافربر که از مسافران کرایه بیشتری دریافت می‌کنند، رسیدگی نمی‌شود. چرا با دریافت کرایه بیشتر، موجب نارضایتی مسافران می‌شوند؟ چه دستگاهی مسوول رسیدگی به این تخلف‌های کوچک و به ظاهر بی‌اهمیت است؟

نصرالله از تهران

■ **نقص فنی عابربانک:** بیشتر مواقع دستگاه خودپرداز بانک سامان که در ایستگاه مترو میدان شهدا نصب شده، یا پول ندارد یا اینکه دچار نقص فنی است. از مسوولان بانک سامان تقاضا داریم مشکل را رفع کنند.

یک مخاطب

■ **ساکنان مهران گاز می‌خواهند:** ساکنان مهران به دلیل نبود لوله‌کشی گاز مشکلات فراوانی را تحمل می‌کنند. از مسوولان شرکت ملی گاز ایران که در خانه‌های گرم به سر می‌برند تقاضا داریم اهالی خطه مهران را از نعمت گاز شهری بهره‌مند کنند تا آنها مجبور نباشند در این سرمای زمستان برای تهیه یک کپسول گاز دربه‌در شوند.

پوریا از مهران

■ **مشکلات حفاری در زمستان:** چرا برخی از شرکت‌ها در زمستان کوچه‌های کم‌عرض را حفاری و باعث اختلال در رفت و آمد ساکنان می‌شوند. پارسال هم در زمستان قبل از ایام عید نوروز برخی از محله‌های منطقه ۱۴ حفاری شده بود. امسال زمستان دوباره تکرار شده است و کارگران باز مشغول کارند. امیدواریم مسوولان پاسخ قانع‌کننده‌ای داشته باشند.

علی‌عطایی

■ **تعزیرات به تخلف فروشندگان رسیدگی کند:** از بازرسان تعزیرات حکومتی تقاضا داریم به بلوار میرداماد، منشعب از خیابان ولیعصر، مرکز خرید پایتخت مراجعه و نرخ‌های رایانه و لپ‌تاپ‌ها را با یکدیگر مقایسه کنند. هر یک از فروشگاه‌ها به دلخواه خود روی کالایشان نرخ‌گذاری کرده‌اند. مشتریان سردرگم هستند که آیا به واقع آنکه گران‌تر است، بهتر است؟ و آن‌که ارزان‌تر است، بانه‌ای است!
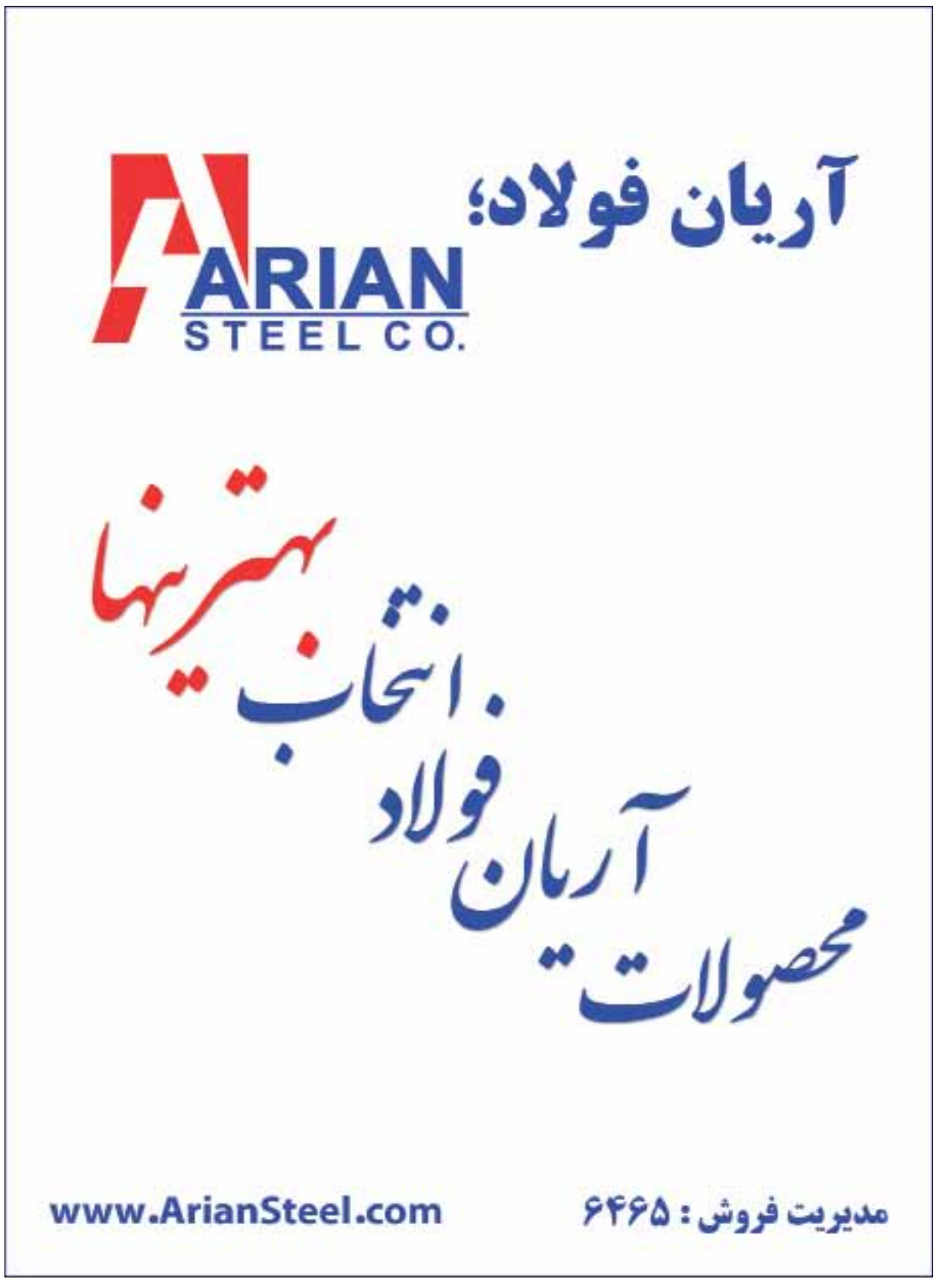
سید حسن میرنبوی (مولا)